

جلد دوم

The WHITE ROSE

الزلیک

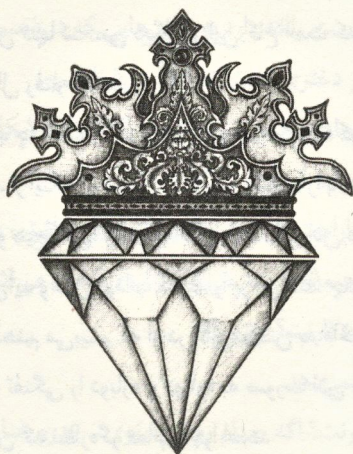
ایمی یوینگ

سارا رجایی فر

مجموعه شهرت‌ها



نشریات



فصل یک

محرمانه ساکت شده.

به دیپازون نقره‌ای کوچک که میان جواهرات پخش و پلا روی میز توالت‌م قرار گرفته،
زل می‌زنم. کلمات گارنت در ذهنم تکرار می‌شوند.

می‌آریمت بیرون.

به‌زور ذهنم را به کار می‌اندازم، ترسم را به عقب می‌رانم و سعی می‌کنم
قطعات را به هم ربط دهم. من در اتاق خواب‌م در کاخ دریاچه گیر افتاده‌ام. گارنت
که پسر خودِ دوشس دریاچه است، چطور یک محرمانه دارد؟ یعنی او با لوشن،
ندیمه‌ی انتخاب‌کننده و دوست پنهانی و ناجی من همکار است؟ اما چرا لوشن به
من نگفته؟

لوشن این رو هم بهت نگفت که زایمان جایگزین‌ها رو می‌کشه. بیشتر از اون‌ی که فکر
می‌کنه نیاز به دونی، بهت نمی‌گه.

وقتی اش را تصور می‌کنم که خونین‌ومالین در سیاهچال است، وحشت مرا در بر
می‌گیرد. اش که ملازم دختران نجیب‌زاده بود و به‌خاطر دوست داشتن من زندگی‌اش را در